

رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی

الهام فتحی^{1*}
دکتر احمد اعتمادی²
ابوالفضل حاتمی³
زهرا گرگی⁴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی در سال تحصیلی 90-91 و نمونه مورد نظر 115 دانشجوی متأهل بودند که بصورت در دسترس از این جامعه انتخاب گردیدند و ابزارهای پژوهش بین آنها توزیع گردید و تکمیل شد. ابزارهای این پژوهش پرسشنامه سبک دلبستگی، پرسشنامه تعهد زناشویی و پرسشنامه رضایت زناشویی است. برای تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش از روش همبستگی استفاده گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با تعهد شخصی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با تعهد شخصی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین دلبستگی ایمن و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار و بین دلبستگی اجتنابی با رضایتمندی زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. و بین تعهد شخصی و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج اجرای تجزیه و تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی رضایت زناشویی براساس تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری، سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی اضطرابی نشان داد که مدل پیش بینی، 20٪ از واریانس رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کنند و به لحاظ آماری معنادار است ($F=14/95, df=2, 112$).

واژه های کلیدی: سبک دلبستگی، تعهد زناشویی، رضایتمندی زناشویی

¹- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران-ایران fathielham@gmail.com

²- دانشیار، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره تهران-ایران Ahmad_etemadi@yahoo.com

³- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران-ایران

⁴- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، ایران Gorji_zahra@gmail.com

ازدواج یکی از بنیادهای تقریباً جهان شمول بشری است و هیچ بنیادی این چنین صمیمانه افراد بشر را تحت تاثیر قرار نداده است. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران طلاق در سالهای اخیر رشد فزاینده ای داشته است. این رشد از 1373 تا 1375 به ترتیب 7,2 و 7,5 و 7,9 بوده است که این رقم در سال 1386 به 8,5 درصد رسیده است (سایت مرکز آمار ایران، 1389).

افراد وقتی ازدواج می کنند شادتر و سالم تر هستند اما آمارها نشان می دهند که رضایت زناشویی به راحتی به دست نمی آید (فلورز¹، 2008). رضایت از رابطه در طی زمان و در میان خیلی از زوجین کاهش می یابد (هالفورد؛ ترجمه تبریزی و همکاران، 1387). رضایت زناشویی نشانگر استحکام و کارایی نظام خانواده است.

رضایت زناشویی را می توان خشنودی زناشویی، فقدان بدکاری، رضایت در هر دو طرف و ادراک کلی از موفقیت رابطه زناشویی تعریف کرد (چانگ²، 2008).

عواملی که بر رضایت زناشویی تأثیر می گذارند مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و موارد متعددی را اظهار داشته اند از جمله شلزینگر³ (1982) احترام متقابل، اعتماد، عشق، توجه، وفاداری و ارتباط متقابل را نام برده است (تبریزی، 1383). فنل⁴ (1993) عوامل مؤثر در رضایت زناشویی را به این صورت معرفی کرده اند: 1- تعهد مادام العمر به ازدواج، 2- وفاداری به همسر، 3- ارزش های اخلاقی قوی، 4- احترام به همسر به عنوان یک دوست، 5- تعهد به وفاداری جنسی، 6- تمایل داشتن به والدی خوب بودن، 7- اعتقاد به خدا و تعهد مذهبی، 8- تمایل داشتن به لذت بخشی و حمایت نسبت به همسر، و 9- مصاحبت خوب با همسر و اشتیاق به بخشودن و بخشیده شدن.

هرچند که رضایتمندی زناشویی در ایران از متغیرهایی است که پژوهشهای زیادی بر روی آن انجام گرفته و این خود یکی از دلایل مهم بودن این متغیر در حوزه ازدواج و زندگی زناشویی است، اما با وجود این جای خالی بررسی برخی متغیرهای تاثیرگذار بر این متغیر همچون تعهد زناشویی احساس می گردد. همچنان که در بالا ذکر شد یکی از عواملی که به عنوان عامل اثر گذار بر رضایتمندی زناشویی در پژوهشهای خارج کشور

¹-Flores

²-Chang

³-Schelsinger

⁴-Fenell

مشخص شده است تعهد زناشویی است. همچنین تحقیقات متعددی به این موضوع پی برده اند که تعهد زناشویی همسران، پیش بینی کننده مهم ازدواج های پایدار و رضایتبخش است (هیو و لیندزی¹، 2007).

تعهد زناشویی حدی است که در آن افراد دیدگاه بلند مدتی روی ازدواجشان دارند، برای رابطه شان فداکاری می کنند، برای حفظ و تقویت همبستگی و اتحادشان قدم بر می دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش دهنده نیست، می مانند (هارمون²، 2005).

اگرچه تعهد یا قصد برای ادامه رابطه، اغلب سازه ای کلی در نظر گرفته می شود، صراحتاً به سه نوع متمایز تقسیم می گردد (آدامز و جومز³، 1997؛ جانسون و همکاران⁴، 1999). این سه نوع تعهد شامل: الف) تعهد نسبت به همسر⁵ (تعهد شخصی) بر اساس تمایل به باقی ماندن در رابطه، ب) تعهد به ازدواج⁶ (تعهد اخلاقی)، مرتبط با تعهدات اجتماعی یا مذهبی و پیمان های یکپارچگی و مسؤولیت و ج) تعهد اجباری⁷ بر اساس احساس به دام افتادگی در یک رابطه به دلیل هزینه ها و مشکلات موجود در فسخ کردن پیوند، است (آدامز و جومز، 1997؛ جانسون و همکاران، 1999). افراد دارای تعهد زناشویی بالا گرایش به این دارند که برای بهبود رضایتمندی از رابطه کار کنند یا علاقه کمتری به اندیشیدن در مورد فرصت های جایگزین که می تواند احساس ایمنی همسرشان را تضعیف کند، نشان دهند (استانلی و همکاران، 2002).

دلبستگی پیوند هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم با آنهاست ایجاد می شود (پاپالیا⁸، 2002).

در اصطلاحات نظریه کلاسیک دلبستگی، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن آن دسته افرادی هستند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند و از لحاظ اجتماعی اعتماد به نفس بیشتری دارند و موفق تر هستند (کان، نورمن، ولبورن

¹-Huei; Lindsey and Elliott

²-harmon

³-Adams & Jones

⁴-Johnson; caughtlin & Huston

⁵-Commitment to one's spouse

⁶-Commitment to marriage

⁷-Constraint commitment

⁸-papalia

و کالهن¹، 2008). این بزرگسالان گرایش به داشتن دیدگاههای مثبت از خودشان و همسرشان دارند، این افراد هم با تعلق و هم با استقلال احساس راحتی می کنند (بوگارتز، دالدر، کناپ، کیونست و بوسچمن²، 2008). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، خودشان را به صورت خودبسنده می بینند و افراد دارای این سبک، آسیب پذیری را انکار می کنند و ادعا می کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند (ویردن، پترز، بری، باروکلاوج و لیورساید³، 2008)؛ فهمیده شده که این افراد برای سرمایه گذاری در روابط رومانیتیک شان تردید دارند و بنابراین پایین ترین سطح تعهد را دارا هستند (مورگان و شور⁴، 1990). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا گرایش به داشتن دیدگاه کمتر مثبتی در مورد خودشان دارند. آنها اغلب در مورد ارزش خودشان به عنوان یک همسر شک دارند و خودشان را برای فقدان پاسخگری همسرشان سرزنش می کنند (بوگارتز و همکاران، 2008).

در پژوهش پیستول ولورانس⁵ (1999) به منظور بررسی سازمان دلبستگی و تعهد، 101 زن و 30 مرد از نژادهای مختلف پرسشنامه دلبستگی و سیاهه تعهد را تکمیل کردند؛ نتایج نشان داد اشخاصی که در رابطه، دلبستگی دلمشغول یا ایمن را تصدیق کرده بودند، وفاداری شخصی قوی تری نسبت به افرادی که دلبستگی اجتنابی بیمناک یا دلبستگی اجتنابی را تصدیق کرده بودند، گزارش دادند.

جودی⁶ (2006) در پژوهش خود سازه های حسادت، تعهد و سبک دلبستگی رومانیتیک را در نمونه ای از 372 دانشجو بررسی کرد، نتایج حاصل از تحلیل داده ها یک رابطه مثبت معنادار بین دلبستگی ایمن و تعهد شخصی را آشکار ساخت و یک رابطه منفی و معنادار نیز بین سبک دلبستگی اجتنابی و تعهد شخصی تأیید گردید.

سیمپسون (1999) در پژوهش خود رابطه بین سبک دلبستگی و تعهد را در مطالعه ای طولی بررسی کرد و به این نتیجه رسید که افراد ایمن تعهد بالایی را نسبت به همسر

¹-Cann ; Norman; Welbourne and Calhoun

²-Bogaerts; Dallder; Knnap; Kunst & Buschman

³-Wearden; Peters; Berry; Barrowclough & Liversidge

⁴-Morgan., & Shaver

⁵-Pistol & lorance

⁶-Judy

خود دارند. و افراد دارای دلبستگی اجتنابی و اضطرابی دارای تعهد و اعتماد پایینی در روابط زناشویی خود هستند (توماس¹، 2009).

حمیدی (1386) پژوهشی با هدف بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری انجام داد، نتایج به دست آمده نشان داد که دانشجویان متأهل با سبک های ایمن، از رضایتمندی زناشویی بالاتری برخوردارند و برعکس، یعنی دانشجویانی که از سبک های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند، میزان رضایتمندی زناشویی آنان نیز به طور معناداری کمتر از افراد ایمن بود. رجایی و همکاران (1386) در پژوهشی با عنوان سبک های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی به این نتیجه دست یافتند که رضایتمندی زناشویی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنا دار دارد.

عیدی و خانجانی (1385) در پژوهش خود با عنوان بررسی رضایت زناشویی در سبک های مختلف دلبستگی به این نتیجه رسیدند که زنان و مردان دارای سبک دلبستگی ایمن رضایت زناشویی بالاتری نسبت به سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا دارند و کمترین میانگین رضایت زناشویی متعلق به سبک دلبستگی اجتنابی است.

عطاری و همکاران (1385) در پژوهش خود با عنوان "بررسی روابط ساده و چندگانه نگرش مذهبی، خوش بینی و سبک دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز" به این نتیجه رسیدند که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی دانشجویان مرد متأهل رابطه مثبت معنادار وجود دارد و بین سبک دلبستگی ناایمن و رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

کلمنتس و سوانسون² (2000) در پژوهشی با عنوان تعهد به همسر خویش به عنوان پیش بینی کننده کیفیت زناشویی در میان زوجین سالمند به این نتیجه رسید که تعهد به همسر قویترین و استوارترین پیش بینی کننده کیفیت زناشویی است. تعهد به صورت منفی با مشکلات ازدواج و به صورت مثبت با بیان عشق و سازگاری زوجی ارتباط داشت.

برودریک و الری³ (1986) دریافتند که تعهد به صورت مثبتی با رضایت زناشویی برای هر دو همسر همستگی دارد (به نقل از کلمنتس و سوانسون، 2000).

¹-Thomas

²-Clements & swensen

³-Broderick and O'leary

کاسلو و رایبنسون¹(1996) دو نوع تعهد را در پیش بینی رضایت زناشویی در زوجین متاهل ایالات متحده مورد بررسی قرار دارند. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که افراد دارای تعهد شخصی عشق بیشتر و رضایتمندی بیشتری در مقایسه با افراد دارای تعهد ساختاری دارند.

کایر²(1993) مطالعاتی را در مورد عدم رضایت از زندگی زناشویی با استفاده از 76 همسر به صورت غیر تصادفی انجام داد و به این نتیجه رسید که تعهد شخصی باعث می شود که فرد در ازدواجش سطح بالای عشق و شادی را احساس کند(رضایی، 1389). با توجه به پژوهشهایی که در بالا نیز ذکر گردید در تحقیقات پیشین رابطه سبک دلبستگی و رضایت زناشویی و همچنین رابطه سبک دلبستگی و تعهد در روابط زناشویی در پژوهشهای جداگانه ای(که تقریباً همه آنها در خارج از کشور انجام شده) مشخص شده است. ولی پژوهشی در ایران که در آن این سه متغیر همزمان مورد پژوهش قرار بگیرند یافت نشد، از سوی دیگر متغیر تعهد زناشویی در ایران از متغیرهایی است که مورد غفلت پژوهشگران قرار گرفته با وجود اینکه اهمیت این متغیر در رضایت و پایداری زناشویی هم در نظریه ها و هم در پژوهشهای گذشته اثبات شده است. با توجه به اهمیت رضایتمندی در روابط زناشویی این پژوهش با هدف بررسی متغیرهای مرتبط با این متغیر (تعهد زناشویی و سبک دلبستگی) انجام گرفت.

ابزار و روش

جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی 91-90 بودند. نمونه پژوهش حاضر نیز 115 دانشجوی بودند که با استفاده از شیوه نمونه گیری در دسترس از جامعه مذکور انتخاب شدند. علت انتخاب این روش و عدم انتخاب روش تصادفی این بود که اجازه تهیه لیست افراد در خوابگاه داده نشد. ابتدا پرسشنامه های مورد نظر آماده گردید و برای هر بسته که شامل سه پرسشنامه بود، یک صفحه برای معرفی پژوهش و میزان اهمیت آن و اطلاعات جمعیت شناختی اختصاص داده شد. در مرحله بعد تعدادی خوابگاه (که بیشتر آنها متاهلی بودند) انتخاب گردید و 125 بسته پرسشنامه بین دانشجویان متاهل ساکن این خوابگاهها

¹-Kaslow and Robinson

²-kayer

توزیع شد. برای گردآوری پرسشنامه ها چند نوبت در یک هفته مراجعه گردید و در نهایت با حذف 10 پرسشنامه ناقص، نمونه‌ای به حجم 115 نفر وارد تحلیل شد. در این پژوهش از ابزار هایی استفاده شده است که در زیر به آن اشاره می گردد.

پرسشنامه سبک دلبستگی¹: مقیاس دلبستگی بزرگسالان که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور ساخته شده و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک آزمون 15 سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را در مقیاس 5 درجه ای لیکرت (خیلی کم-1، کم-2، متوسط-3، زیاد، خیلی زیاد-5) می سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در خرده مقیاسهای آزمون به ترتیب 5 و 25 خواهد بود. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسشهای خرده مقیاسهای ایمن، اجتنابی و دو سوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (1480 نفر شامل 860 دختر و 620 پسر) برای کل آزمودنیها به ترتیب 0/86، 0/84، 0/85 (برای دانشجویان دختر 0/86، 0/83، 0/84 و برای دانشجویان پسر 0/84، 0/85 و 0/86) محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب 0/80، 0/61 و 0/75 محاسبه شد (دوست محمدی، 1389).

پرسشنامه تعهد زناشویی²: این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه گیری می کند. این آزمون توسط آدامز و جونز (1997) برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه گیری می کند؛ این ابعاد عبارتند از: تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری (عباسی مولید، 1388). آدامز و جونز (1997) در 6 پژوهش مختلف به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسشنامه، آن را روی 417 نفر متاهل، 347 نفر مجرد و 46 نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر سوال با نمره کل آزمون بالا و معنادار بود و به طور کلی ابعاد این پرسشنامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز (1997) میزان پایایی هر یک از مقیاسهای این آزمون را بر روی نمونه مذکور به این شرح به دست آوردند: تعهد شخصی، 0/91؛ تعهد اخلاقی، 0/89؛ تعهد ساختاری، 0/86 (عباسی مولید، 1388).

¹-Attachment style Questionnaire

²-Marital commitment Questionnaire

در مطالعه ای مقدماتی توسط عباسی مولید و همکاران (1388) روایی محتوایی این آزمون مورد تأیید قرار گرفت.

هر سوال آزمون دارای یک مقیاس 5 درجه ای: کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است، که به هر گزینه نمره ای بین 1 تا 5 تعلق می گیرد. به گزینه کاملاً موافقم نمره 5 و به گزینه کاملاً مخالفم نمره 1 داده می شود. اکثر سؤال های پرسشنامه به صورت مستقیم نمره گذاری می شود وعده ای به صورت معکوس نمره گذاری می گردد. دامنه کلی نمرات افراد بین 1 تا 172 نمره است و نمره بالاتر در این آزمون، بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می دهد (عباسی مولید، 1388).

پرسشنامه رضایت زناشویی: برای اندازه گیری از فرم کوتاه پاسخ 47 سوالی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. این پرسشنامه توسط دیوید اچ.السون، دیویدجی، فورنیرو جوئن ام. درانکمن ساخته شده است و هدف این پرسشنامه تعیین حیطه های کاری و نقاط قوت زناشویی است. فرم کوتاه این پرسشنامه بوسیله سلیمانیان (1373) هنجاریابی شده و ضریب اعتبار 95/1. به دست آمده است (فاضل و همکاران، 1390).

این پرسشنامه پنج گزینه ای و به صورت لیکرت منظور شده است. برخی از گویه های این پرسشنامه به صورت مستقیم و بقیه معکوس نمره گذاری می شوند. اولسون (1989)، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه انریچ را در خرده مقیاسهای آن از 48/1 تا 90/1 گزارش کرده است. عبدالله زاده (1383) در پژوهش خود که بر روی 182 زوج شهر دامغان انجام داد؛ آلفای کرونباخ این پرسشنامه را 93/1. گزارش کرده است. در مورد 35 زوج به فاصله 12 روز دوباره پرسشنامه اجرا گردید. همبستگی اجرای نخست با اجرای مجدد این آزمون 78/1. برای مردان و 83/1. برای زنان به دست آمد (فاضل و همکاران، 1390).

کلیه خرده مقیاس های پرسشنامه انریچ زوجهای راضی و ناراضی را متمایز می کند و این نشان می دهد که این پرسشنامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (فاضل و همکاران، 1390).

از آنجا که هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی است از روش همبستگی و رگرسیون استفاده شد.

یافته های توصیفی: در ابتدا برخی از ویژگی های جمعیت شناختی آزمودنی ها در جدول شماره (1) ارائه گردیده است.

جدول 1- توزیع نمونه ها از نظر سن، مدت ازدواج، و سطح تحصیلات

سن	فراوانی	مدت ازدواج	فراوانی	سطح تحصیلات	فراوانی
18-22	33	تا 2 سال	56	کارشناسی	43
22-26	59	2 تا 4 سال	36	ارشد	61
26-30	14	4 تا 6 سال	15	دکتری	11
30 و بالاتر	9	6 و بالاتر	8		
جمع	115	جمع	115		115

طبق داده های جدول (1) بیشترین درصد سنی به گروه 22-26 سال تعلق دارد. داده های توزیع فراوانی از نظر مدت ازدواج نشان می دهد که بیشترین فراوانی مربوط به گروهی است که حداکثر 2 سال از مدت ازدواج آنها گذشته است. و در نهایت بیشتر دانشجویان مورد مطالعه از نظر سطح تحصیلات دانشجوی کارشناسی ارشد بودند. در جدول زیر شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش گزارش شده است:

جدول 2- شاخصهای توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
سبک دلبستگی اجتنابی	13/13	4/73	.44
سبک دلبستگی ایمن	18/05	5/29	.49
سبک دلبستگی اضطرابی	12/59	4/67	.43
تعهد شخصی	70/67	8/76	.81
تعهد ساختاری	33/59	9/91	.92
تعهد اخلاقی	36/77	9/85	.91
رضایتمندی زناشویی	162/54	19/79	1/84

یافته های استنباطی: در ادامه در ابتدا فرضیه های پژوهش را ذکر کرده و سپس به بررسی هر یک می پردازیم.

فرضیه های این پژوهش عبارتند از:

فرضیه 1: بین سبک دل بستگی و تعهد زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه 2: بین سبک دل بستگی و رضایتمندی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه 3: بین تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه اول: بین سبک دل بستگی و تعهد زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی فرضیه اول پژوهش، ضرایب همبستگی پیرسون سبکهای دل بستگی با تعهد زناشویی محاسبه شد که در جدول 3 گزارش شده است.

جدول 3- ضرایب همبستگی بین سبک های دل بستگی و انواع تعهد زناشویی

تعهد زناشویی			سبک های دل بستگی
اخلاقی	ساختاری	شخصی	
.07	.13	.63**	دل بستگی ایمن
.05	.05	-.24*	دل بستگی اضطرابی
.05	.11	-.44**	دل بستگی اجتنابی

0/05: P<* ,0/01: P<**

بر اساس یافته های به دست آمده که در جدول (3) نیز آمده است، بین سبک دل بستگی ایمن با تعهد شخصی رابطه مثبت و معنادار در سطح 0/01 وجود دارد. و همچنین مشخص شد که بین سبک دل بستگی اجتنابی با تعهد شخصی رابطه منفی و معنادار در سطح 0/01 و بین سبک دل بستگی اضطرابی سازانه و تعهد شخصی نیز رابطه منفی معنادار در سطح 0/05 وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سبک دل بستگی و رضایتمندی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول 4- ضرایب همبستگی بین سبک دل بستگی و رضایتمندی زناشویی

رضایتمندی زناشویی	سبک های دل بستگی
.61**	دل بستگی ایمن
-.30*	دل بستگی اضطرابی
-.46**	دل بستگی اجتنابی

0/05: P<* ,0/01: P<**

همانطور که در جدول (4) نیز آمده، بین سبک دلبستگی ایمن با رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار در سطح 0,01، بین سبک دلبستگی اضطرابی با رضایتمندی زناشویی رابطه منفی و معنادار در سطح 0/05 وجود دارد. یافته دیگر این است که بین دلبستگی اجتنابی و رضایتمندی زناشویی رابطه منفی و معنادار در سطح 0/01 وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. یافته های به دست آمده از این فرضیه در جدول 5 آمده است.

جدول 5- ضرایب همبستگی بین تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی

رضایتمندی زناشویی	تعهد زناشویی
.35**	تعهد شخصی
-.07	تعهد اخلاقی
-.14	تعهد ساختاری

0/05: $P < *$, 0/01: $P < **$

بر اساس یافته های به دست که در جدول (5) نیز آمده است، بین تعهد شخصی و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار در سطح 0/01 وجود دارد. در ادامه برای پیش بینی رضایتمندی زناشویی براساس تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری، سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی اضطرابی از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج در جدول (6) آمده است.

نتایج اجرای تجزیه و تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی رضایت زناشویی براساس تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری، سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی اضطرابی نشان داد که مدل پیش بینی، 20٪ از واریانس رضایت زناشویی را پیش بینی می کنند و به لحاظ آماری معنادار است ($F=14/95, df=2, 112$). متغیرهای پیش بینی کننده بر اساس مدل عبارت بودند از سبک دلبستگی ایمن و تعهد شخصی که به ترتیب 16٪ و 4٪ از واریانس رضایت زناشویی را پیش بینی کردند. آزمون معنا داری مدل در جدول (6) ارائه شده است.

جدول شماره 6. شاخص های تحلیل واریانس یک راهه جهت معناداری کل مدل رگرسیون

سطح معناداری	F	میانگین مجموع مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	آزمون	متغیر
.000 (a)	23,067	12637,049	1	12637,049	رگرسیون	سیک دلبستگی ایمن
		547,833	113	61905,125	باقیمانده	
			114	74542,174	کل	
.000(b)	14,952	7854,388	2	15708,777	رگرسیون	تعهد شخصی
		525,298	112	58833,397	باقیمانده	
			114	74542,174	کل	

همچنین ضریب بتا برای متغیرهای سیک دلبستگی ایمن و تعهد زناشویی همانطور که در جدول (7) آمده به ترتیب برابر با 0/37 و 0/20 به دست آمد.

جدول 7: ضرایب حاصل از رگرسیون گام به گام رضایتمندی زناشویی بر اساس متغیرهای سیک های دلبستگی و انواع تعهد زناشویی

گام	متغیر پیش بین	b	خطای معیار	B	T	سطح معناداری
اول	سیک دلبستگی	3/674	.765	.412	4/803	.000
	سیک دلبستگی	3/347	.761	.375	4/397	.000
دوم	تعهد شخصی	.651	.269	.206	2/418	.017

بحث و نتایج

نتیجه گیری: یافته های به دست آمده فرصیه اول را به طور کلی تأیید کرد. یکی از یافته های به دست آمده این است که بین سیک دلبستگی ایمن با تعهد شخصی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، یعنی افراد دارای سیک دلبستگی ایمن دارای تعهد شخصی بالایی در ازدواج خود هستند. تعهد شخصی در ازدواج به این معنی است که فرد خواهان تداوم رابطه است و در این باره احساس فشار و جبر نمی کند؛ این نوع تعهد تحت تأثیر سه مولفه، کشش به سوی رابطه، کشش به سوی همسر و هویت مرتبط با رابطه قرار دارد و فرد با در نظر گرفتن این مولفه ها است که با میل شخصی به ازدواج و همسر خود وفادار می ماند، نه به خاطر اینکه فقط به دلیل انجام وظیفه اجتماعی و اخلاقی (تعهد اخلاقی) متعهد باشد یا به دلیل اجبارهای بیرونی نظیر "سرمایه ها و منابع

غیرقابل برگشت (دارایی، مایملک، زمان و پول)؛ شیوه‌های سخت خاتمه دادن (هزینه‌های قانونی و دادگاه، تقسیم پیچیده دارایی، مسؤولیت نگهداری از کودکان)؛ واکنش‌های اجتماعی نامطلوب همکاران، خانواده و دوستان؛ فقدان چاره‌های جذاب (همسر جایگزین، فقدان حمایت مالی، تغییر سبک زندگی یا فرصت‌های شغلی با دوام)؛ و استرس‌های بالقوه‌ای که بر روی بچه‌ها وارد می‌شود (تعهد ساختاری)¹ خود را مجبور به متعهد ماندن ببیند. یعنی افراد دارای تعهد شخصی نسبت به رابطه و همسر خود علاقه مندند و این نوع تعهد احتمال بسیار کمی دارد که به طلاق راه دهد (هارمون، 2005).

از سوی دیگر فرد دارای دلبستگی ایمن احساس می‌کند که ارزشمند بوده و ارزش مراقبت شدن و توجه از سوی دیگری را دارا هست. بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن تمایل دارند تا روابط رومانیتیک شان را به صورت شاد و مورد اعتماد توصیف کنند. آنها قادرند که نسبتاً آسان به دیگران نزدیک شوند و تمایل دارند که در تعامل حمایت از شریک زندگی شان راحت باشند. شریک‌های زندگی ایمن انتظار دارند که احساسات رومانیتیک در جریان یک رابطه فراز و نشیب داشته باشد و راجع به ترک شدن بیش از حد نگران نیستند. شریکان زندگی ایمن گرایش دارند تا تجارب رابطه شان را بیشتر به صورت مثبت توصیف کنند. با توجه با توضیحات داده شد طبیعی به نظر می‌رسد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن دارای تعهد شخصی بالایی نسبت به همسر خود و ازدواجشان باشند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیستول و لورانس (1999)، سیمپسون (1999) و جودی (2006) همسو می‌باشد.

همچنین نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی اجتنابی و تعهد شخصی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. پس هرچه دلبستگی فرد بیشتر اجتنابی باشد، تعهد شخصی او کمتر است. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی در الگوی فعال سازی درونی خود به این تصمیم‌گیری شناختی رسیده‌اند که خودشان ارزشمند و دوست‌داشتنی هستند ولی این دیگرانند (همسر) که کار مراقبت و پاسخگری خود را انجام نمی‌دهند و در نتیجه دیدگاهی منفی را در مورد دیگران شکل می‌دهند. این افراد غالباً در بزرگسالی از صمیمیت و نزدیک شدن به دیگران هراس دارند و از آن دوری می‌کنند (کارداتزک¹، 2009) و تحقیقات متعدد نشان داده است که افراد دارای این نوع سبک دلبستگی اگر گرایش مذهبی بالایی نداشته نباشند، بیشتر مستعد خیانت زناشویی هستند چون برای

¹-Kardatzke

ارضای نیازهای عاطفی خود بیشتر با افرادی که نمی‌شناسند و فقط رابطه گذرای چند دقیقه‌ای در زندگی خود می‌توانند داشته باشند، تکیه می‌کنند (جینفرویو¹، 2009). با توجه به خصوصیات افراد دارای تعهد شخصی که در بالا مورد بحث قرار گرفت، قابل پیش بینی است که افراد دارای دلبستگی اجتنابی به دلیل دیدگاه منفی‌ای که نسبت به دیگران دارند ودوری آنها از صمیمیت، از تعهد شخصی پایینی برخوردار باشند. این یافته با نتایج به دست آمده در پژوهشهای پیستول و ولورانس (1999)، سیمپسون (1999) و جودی (2006) همسو است.

یافته دیگر مرتبط با فرضیه اول این است که بین دلبستگی اضطرابی و تعهد شخصی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. یعنی افراد دارای دلبستگی اضطرابی از تعهد شخصی پایینی در روابط زناشویی برخوردارند. افراد دارای دلبستگی اضطرابی افرادی هستند که در الگوهای فعال سازی درونی خود در مورد ارزش خودشان شک دارند و ارزیابی مثبتی از فرد دیگر (همسر خود) ندارند و دائماً به دنبال اطمینان آفرینی مجدد بوده و خود را به خاطر مشکلات رابطه سرزنش می‌کنند و از همه مهمتر این افراد معمولاً هرگونه رفتار از همسر خود را نشانه‌ای دال بر احتمال رها شدن از سوی وی درک می‌کنند که شاید این ویژگی است که باعث می‌شود که نتوانند دارای تعهد شخصی بالایی نسبت به همسر خود باشند. این یافته با یافته پژوهش سیمپسون (1999) همسو و با یافته پژوهش پیستول و ولورانس (1999) متناقض است.

فرضیه دوم این پژوهش نیز به صورت کلی تأیید شد، یعنی به طور کلی بین سبک‌های دلبستگی و رضایتمندی زناشویی رابطه معنادار یافت گردید. به این صورت که بین سبک دلبستگی ایمن با رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار و بین دلبستگی‌های اضطرابی و اجتنابی با رضایتمندی زناشویی رابطه منفی و معنادار یافت گردید. یعنی افراد دارای دلبستگی ایمن دارای رضایتمندی بالایی در رابطه زناشویی خود هستند و بالعکس افراد دارای دلبستگی اضطرابی و اجتنابی دارای رضایتمندی پایینی هستند. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد که دلبستگی ایمن به صورت معناداری رضایتمندی زناشویی (16 درصد) را پیش بینی می‌کند، به این صورت که دارا بودن دلبستگی ایمن منجر به رضایتمندی زناشویی روجین می‌گردد.

¹-Jeanfreau

افراد دلبستگی اضطرابی در الگوهای فعال سازی درونی که مولفه شناختی بنیادین دلبستگی است نسبت به ارزش خود شک دارند و افراد دارای دلبستگی اضطرابی نیز در الگوی فعال سازی درونی خود، نسبت به فرد دیگر که اینجا همسر شخص است بی اعتماد بوده و نسبت به پاسخگری و در دسترس بودن شریک زندگی خود تردید دارند که این دو مولفه منفی شناختی بنیادین در این افراد احتمالاً باعث می گردد که رضایتمندی پایینی را احساس کنند. در مقابل افراد دارای دلبستگی ایمن در الگوی فعال سازی درونی خود هم خودشان را ارزشمند می دانند و هم دیگران را پاسخگو و در دسترس می بینند و در صورت به وجود آمدن مشکلی به جای سرزنش کردن خود (دلبستگی اضطرابی) یا متهم کردن دیگری و دوری گزینی (دلبستگی اجتنابی) دنبال بهبود رابطه می باشند، که این باعث می شود که احساس رضایتمندی بالاتری در روابط داشته باشند. یافته های به دست آمده از این فرضیه با نتایج به دست آمده از پژوهش های حمیدی (1386)، رجایی و همکاران (1386) عیدی و خانجانی (1385) همسو است.

نتایج حاصل از فرضیه سوم این پژوهش نشان داد که تنها بین تعهد شخصی و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر تعهد شخصی به صورت معناداری رضایتمندی زناشویی را پیش بینی می کند. یعنی افراد دارای تعهد شخصی از رضایتمندی زناشویی بالایی در ازدواج خود برخوردارند و تعهد شخصی داشتن نسبت به همسر و ازدواج پیش بینی کننده رضایتمندی زناشویی است. بین متغیرهای دیگر رابطه معناداری یافت نشد.

فرد دارای تعهد شخصی بر اساس تمایل شخصی متعهد است به این خاطر که به شریک رابطه اش، خود رابطه اش و یا هویت زوجی دلبسته است. این نوع تعهد به وسیله ی درک مواهب مثبت در همسر بر انگیخته می گردد که تمایل به خواستار در تماس بودن را افزایش می دهد. فرد دارای تعهد شخصی، الف) به عنوان یک نیاز شخصی به رابطه گرایش دارد ب) همسرش را دوست داشته و به سوی او کشش دارد، ج) یک هویت متقابل در این رابطه وجود دارد، که ارضا کننده است (کاپینوس و جانسون 1، 2003). و بر خلاف دو نوع تعهد دیگر هیچ اجباری در کار نیست و فرد به دلیل مواهب مثبت همسر و در کل ازدواج خود، برای همسر و ازدواج خود ارزش قائل است و طبیعی است که فرد دارای تعهد شخصی در راستای بهبود رابطه زناشویی و حل

مشکلات آن کار کند و همه این خصوصیات باعث می گردد که این افراد دارای رضایتمندی زناشویی بالایی باشند. یافته به دست آمده با نتایج پژوهشهای کلمنتس و سوانسون (2000)، برودریک و الری (1986)، کاسلو و رایینسون (1996) و کایر (1993) همسو است.

پیشنهادها: در پایان می توان اظهار داشت که سبک دلستگی و تعهد زناشویی از مؤلفه هایی است که همبستگی و ارتباط نزدیکی با رضایتمندی زناشویی دارد و و مشاوران و متخصصان یاورانه می توانند در فرایند ارزیابی مراجعان خود که از زندگی ناراضی هستند، این دو مؤلفه و بالاخص تعهد زناشویی را بررسی کنند و از نتایج این پژوهش در راستای کار خود بهره بگیرند.

Archive of SID

منابع:

- تبریزی، م (1383)، بررسی و مقایسه اثر بخشی گروه درمانی تلفیقی زوجها، شناخت درمانی گروهی بک و کتاب درمانی در کاهش نارضایتی زناشویی. رساله ی دکتری، رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی .
- حمیدی، ف (1386)، بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل دبیری. فصلنامه خانواده پژوهی، سال سوم، شماره 9.
- دوست محمدی، ی (1389)، بررسی رابطه سبک های دلبستگی و ابعاد سه گانه ی عشق با سازگاری زناشویی در بین معلمان متاهل شاغل در آموزش و پرورش شهر شیراز در سال تحصیلی 88-89. پایان نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رجایی، ع؛ نیری، م. و صداقتی، ش (1386)، سبک های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، 3(12): 90-110
- رضایی، ج (1389)، تاثیر آموزش سبک زندگی اسلام محورها تاکید بر نظام خانواده بر تعهد و صمیمیت زوجین اراک. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته مشاوره خانواده. دانشگاه اصفهان.
- عباسی مولید، ح (1388)، بررسی تاثیر آموزش گروهی واقعیت درمانی بر تعهد زناشویی زوجین شهرستان خمینی شهر. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- عطاری، ی؛ عباسی سرچشمه، ا؛ مهرابی زاده هنرمند، م (1385)، بررسی روابط ساده و چندگانه نگرش مذهبی، خوش بینی و سبک دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متاهل دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، 13 (1): 93-110.
- عیدی، ر. و خانجانی، ز (1385)، بررسی رضایت زناشویی در سبک های مختلف دلبستگی. فصلنامه علمی- پژوهشی روان شناسی دانشگاه تبریز. 1 (3و2): 12-42
- فاضل، ا؛ حق شناس، ح. و کشاورز، ز (1390)، قدرت پیش بینی ویژگی های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایتمندی زوجی زنان سرپرستار شهر شیراز. فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان. 2 (3): 15-35
- هالفورد، د. ک. زوج درمانی کوتاه مدت. ترجمه: تبریزی، کاردانی، جعفری. انتشارات فراروان، تهران (1387)، چاپ 3

- Adams, J. M. & Jones, T. (1997), the conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72, 1177-1196.

- Bogaerts, S; Dallder, A. L.; Knap, L. M. V. ; Kunst; M. J.J.M.& Buschman, J.(2008), Critical incident, adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: a comparison of three groups of security workers. *Social behavior and personality*, 36(8), 1063-1072.
- Cann, A; Norman, M. A.; Welbourne, J. L. and Calhoun, L. G.(2008), Attachment styles, conflict styles and humour styles: interrelationships and associations with relationship satisfaction. *European journal of personality*. 22: 131-146
- Chang, S. L.(2008), Family Background and Marital Satisfaction of Newly Weds: Generational Transmission of Relationship Interaction Patterns. Unpublished doctoral dissertation, University of Fullerton.
- Clements, R.; Swensen, C., H.(2000), Commitment to One's Spouse as a Predictor of Marital Quality among Older Couples, *Current Psychology: Developmental Learning Personality ~ Social* Summer 2000, Vol. 19, No. 2, 110-119.
- Fenell, D. L. (1993), Characteristics of long-term first marriages. *Journal of Mental Health Counseling*, 15, 446-460.
- Flores, M. (2008), Marital conflict and marital satisfaction among Latina mothers: A comparison of participants in an Early intervention program and non – participants. Unpublished doctoral dissertation, university of North Texas
- Harmon, kh. D. (2005), black men and marriage: the impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on satisfaction. Unpublished doctoral dissertation, university of Alabama.
- Huei, S, A; Lindsey, C. R.; Elliott, T. R.(2007), Church attendance and marital commitment beliefs of undergraduate women. *Journal of applied social psychology*, 2007,37,3, pp. 501-514
- Jeanfreau, M, M.(2009), A qualitative study investigating the decision-making process of women, participation in marital infidelity. Unpublished doctoral dissertation, Kansas state university.

- Johnson, M.P., Caughlin, J.P., Huston, T. L.(1999), The tripartite nature of marital commitment: personal, moral and structural reasons to stay married. *Journal of marriage and family*, 61(1) pg.160.
- Judy, A.(2006), Understanding the contribution of relative commitment to the link between romantic attachment and jealousy. Unpublished doctoral dissertation, university of Carolina
- Kapinus, C. A., Johnson, M. P.(2003). The utility of family life cycle as theoretical and empirical tool: commitment and family life-cycle stage. *Journal of family issues*, 24(2), 155- 184.
- Kardatzke, K. N.(2009), Perceived Stress, Adult Attachment, Dyadic Coping and Marital Satisfaction of Counseling Graduate Students. Unpublished doctoral dissertation, University of North Carolina.
- Kaslow, F. and Robinson, J.(1996), Long-term satisfying marriages: perceptions of contributing factors. *The American journal of family therapy*. Vol.24:153-170
- Morgan, H. J., & Shaver, P. R. (1999), Attachment processes and commitment to romantic relationships. *Handbook of Interpersonal Commitment and Relationship Stability*. Edited by Jeffery M. Adams and Warren H. Jones. Kluwer Academic/Plenum Publishers, New York.
- Papalia, D. F.(2002), *A Child's world: infancy through adolescence* . New York: McGraw-hill.
- Pistol, M. C., Lorange, C. V. (1999), Attachment and commitment in college student's romantic relationships. *Journal of college student development*. 40, 6, pg. 710.
- Stanley, S. M., Markman, H. J., & Whitton, S. W. (2002), Communication, conflict, and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Family Process*, 41, 659–675.
- Thomas, E. L.(2009), The interrelationships between adult attachment style, commitment, frequency of, variety, and motivation for sexual behaviors in non-married, dating

relationships. Unpublished doctoral dissertation, northern Illinois University.

- Wearden, A; Peters, I; Berry, K; Barrowclough, Ch & Liversidge, T.(2008), Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences* 44 (2008) 1246–1257.

Archive of SID